

یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده فعلی که توجه بسیاری از محققین، جامعه شناسان، جرم شناسان و روانشناسان و متخصصین را به خود معطوف ساخته است موضوع مجرمین کم سن و سال یا اطفال و نوجوانان بزهکار میباشد.

بزهکاری در معنی و مفهوم لفظی عبارت است از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد بهر حال این اصطلاح غالباً معادل جرم و بویژه درباره جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان بکار میرود. تعبیر بزهکار در بعضی موارد به فردی نسبت داده میشود که صرفاً مرتکب جرم نشده بلکه بطور کلی فردی سرکش و ضد اجتماعی است در مورد اطفال میتوان به رفتارهای اشاره کرد که هر چند به ظاهر و به واقع جرم نیستند اما با توجه به اینکه این رفتارها در دوره تکامل تکوینی و رشد روانی بروز میکنند ممکن است زمینه ساز ارتکاب بزه به معنای خاص یعنی جرم شوند و گاه از همین کودک تبهکاری حرفه ای بوجود بیاورند از جمله اینگونه رفتارها میتوان به، فرار از مدرسه، توهین به بزرگترها، تخریب اموال عمومی، فرار از سلطه والدین و ولگردی اشاره کرد.

امروزه تقریباً در تمام جهان هر یک از کشورها برای اطفال و نوجوانانی که رفتار و تمایلات خاص خود را دارند به کار میبرند، با وجود این اسامی و عناوین که برای اطفال و نوجوانان بزهکار به کار میبرند آیا میتوان تصور نمود که هر طفل و نوجوانی که خود را با معیارهای خانوادگی و اجتماعی هم آهنگ نسازد بالاخره روزی سر از جرگه بزهکاران در خواهد آورد. در این خصوص در کشورهای مختلف نظرات متفاوتی وجود دارد مثلاً در قاهره جمع کردن ته سیگار از خیابانها جرم است اطلاعات موجود از لاگوس و نیجریه نشان میدهد که سرپیچی و عدم اطاعت از والدین جرم مهم و بزرگی محسوب میشود در فرانسه، بلژیک و سوئیس نیز عنوان بزهکار به طفلی اطلاق میشود که جرمی را به صورت خلاف و یا جنایت مرتکب شده باشد در ایران طفل بزهکار به طفلی اطلاق میشود که مرتکب عملی گردد که قانون و شرع ارتکاب آن را منع کرده است و یا ترک عملی که انجام آن واجب و لازم دانسته چنین کسی در اسلام گنهکار و مجرم شناخته میشود و اگر توبه نکند باید مجازات شود چه برای جرمش حد و حکم مشخصی تعیین شده یا نشده باشد و در صورت دوم به دستور حاکم شرع و مجتهد جامع الشرایط و مرجع صلاحیتدار تادیب و تعزیر میشود.

#### انواع جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان

انواع مختلف جرایم اطفال از قدیمی ترین در جوامع بشری وجود داشته و میتوان گفت که از عمر این پدیده اجتماعی همانقدر میگذرد که از عمر جوامع بشری گذشته منتهی باید توجه داشت که تا قبل از انقلاب صنعتی نوزدهم اینگونه جرایم به درستی شناخته نشده بود و آن چنان وسعت و گسترش نیافته بود که جنبه یک پدیده اجتماعی را پیدا نماید از قرن نوزدهم به بعد است که جرایم اطفال و نوجوانان به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه اندیشمندان و علمای حقوق جزا قرار میگیرد.

البته باید خاطر نشان نمود که نوع جرم ارتكابی اطفال بنا به علل و انگیزه و کیفیت اعمال ارتكابی با بزرگسالان متفاوت میباشد اطفال غالباً جرایم را به صورت گروهی و گاهی با تشکیل باندهای متفاوت مرتکب میگردند در صورتی که بزرگسالان غالباً به صورت انفرادی مرتکب اعمال بزهکارانه میشوند.

در اکثر جوامع بالاخص جهان سوم تفاوتهای فاحشی بین جرایم دختران و پسران وجود داشته و نسبت بزهکاری انان نسبت به بزهکاران ذکور به مراتب کمتر است و نهایتاً جرائم بر ضد اموال بزرگترین رقم بزهکاری اطفال و نوجوانان را تشکیل میدهد.

#### بخش اول : جرایم بر ضد اشخاص

در زمره جرایم بر ضد اشخاص، ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بزهکار میتوان به اعمال منافی عفت ایراد ضرب و جرح عمدی و یا غیر عمدی اشاره نمود.

#### بخش دوم : جرایم بر ضد اموال

موضوع دیگری که در کلیه اجتماعات گذشته و در حال به طور نسبی وجود دارد جرایم بر ضد اموال است که با توجه به محیط زندگی مردم ، میزان و نوع آن در هر اجتماعی نسبت به اجتماع دیگر متفاوت میباشد به طور کلی تعداد سرقت اطفال و نوجوانان نسبت به سایر جرایم به اندازه ای زیاد است که میتوان حتی جرایم اطفال و نوجوانان را به سرقتهای ارتكابی آنان اختصاص داد.

#### بخش سوم : جرایم بر ضد نظم عمومی جامعه

هر اجتماعی طبق آداب و سنن ، رسوم و معتقدات اخلاق و دینی، وضع اقتصادی و سیاسی دارای اصول و قواعدی است و اگر فردی در جامعه اصول و قواعد مزبور را مراعات ننمود و بخواهد نظم عمومی جامعه را مختل نماید جرم محسوب و قابل تعقیب و مجازات میباشد از جمله اعمالی که از نظر اجتماع ناپسندیده بوده و مخل نظم عمومی محسوب میشوند عبارتند از:

الف: اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آن

ب: ولگردی

ج : جرایم منكراتی:

۱- بی حجابی و بد حجابی

۲- بخش موسیقی مبتذل

۳- برگزاری و شرکت در مجالس لهو لعب

### علل ارتکاب بزهکاری اطفال و نوجوانان

شناسایی شخصیت اطفال و نوجوانان و پی بردن به علل ارتکاب جرم از مهمترین وظایف هر دادرس دادگاه اطفال است

در امور جزائی کوشش می شود که بیش از صدور رای دادگاه ، علل ارتکاب جرم روشن شود و اقدامی متناسب به عمل آید به نحوی که از وقوع نظایر آن جرم در آینده جلوگیری شود و این نکته به خوبی می رساند که توجه حقوق جزا بلاخص در مورد اطفال و نوجوانان به آینده است نه گذشته و مجازات جنبه انتظامی ندارد. بلکه جلوگیری از وقوع و تکرار جرم مشابه است. مجرم را برای آن تحت یک سلسله رژیم اقدامات تامینی قرار می دهند که در آینده از میزان جرم کاسته شود.

پس از تولد، محیط خانواده مهمترین عامل موثر در تکوین و تحویل شخصیت کودکان است. اگر محیط خانواده سالم و مناسب باشد، در کودک اعتماد به نفس و مهر و محبت، همسازی، انطباق، قدرت پذیرش مسوولیت و بالاخره شخصیت سالم به وجود می آید برعکس در خانواده ناسالم رشد طبیعی شخصیت کودک، کند صورت می گیرد و او را آماده بزهکاری می سازد.

شخصیت کودک از زمان تولد تحت تاثیر رفتار پدر و مادر و دیگر اعضاء خانواده قرار می گیرد و در واقع پایه های شخصیت در خانواده گذاشته می شود. اما عوامل دیگری نیز مانند رفتار همسایه ها، دوستان کودک، محیط مدرسه و آموزشی در شخصیت کودک اثر می گذارد. مدرسه می تواند رابطه صمیمی با کودک برقرار کرده و او را آماده پذیرش مسوولیت، تصمیم گیری و حل مسائل زندگی سازد بنابراین آموزگاران نیز مانند پدر و مادر در شکل دادن شخصیت تاثیر دارند.

فرهنگ جامعه نیز بر شخصیت افراد تاثیر می گذارد. شخص پس از مرحله کودکی و نوجوانی در مسیر جدید فرهنگی قرار می گیرد و با فرهنگ غیر مادی جامعه خود آشنا می شود و از آنها متاثر می شود. او ناگزیر است که در اجتماع زندگی کند. با مبانی دینی و امور مذهبی آشنا شود. معیارهای اخلاقی را بپذیرد و در روشنی تکامل خود از همه جنبه های فرهنگی جامعه برخوردار شود. به این ترتیب نفوذ فرهنگ و جامعه و به عبارت دیگر کلیه جنبه های فرهنگی و نیروهای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در تغییر و تحول شخصیت اثر می گذارد و سبب رفتار بهنجار و یا ناهنجار شخصیت می شوند. بنابراین تکامل شخصیت انسان در اجتماع تحقق می یابد. شرایط نامناسب اجتماع نیز سبب پریشانی فرد شده و با ایجاد عقده های روانی و کشمکش و تضاد درونی و احساس محرومیت فعالیت های شخصی را از مسیر طبیعی خارج میکند. با توجه به مطالب فوق و به منظور تسهیل در مطالعه علل بزهکاری اطفال

ونوجوانان، عوامل مزبور را در دو گروه مورد بررسی قرار می دهیم یکی علل مربوط به شخص بزهکار و دیگری مربوط به جامعه، فرهنگ و تعلیم و تربیت که در خارج از شخص بزهکار وجود دارد. گروه اول که به عوامل بزه زاری داخلی شامل کلیه عوامل انسانی و روانی اعم از ساختمان بدن، طرز کار غدد داخلی، ناراحتی های روانی، بیماری های جسمی و عفونی و مغزی می باشد (در صورتی که عوامل خارجی در خارج از شخص انسان قرار داشته باشد) و شامل کلیه تاثیرات ناشی از محیط اعم از محیط خانوادگی، وضع اجتماعی، وضع اقتصادی و غیره می باشد.

#### مبحث اول: عوامل بزه زاری داخلی

برخی از خصوصیات و صفات فردی، طفل را به سوی بدکاری سوق می دهد. این خصوصیات درونی و مربوط به شخصیت مجرم است پاره ای از این صفات که جزء سجایای فردی محسوب می شوند عبارتند از: وراثت، عوامل ذاتی غیر ارثی و اختلاف درونی.

\* وراثت: یکی از عواملی که شخصیت فرد را تحت تاثیر خود قرار داده و مورد توجه جرم شناسان نیز واقع شده است عوامل ارثی است. همانطور که انسان از لحاظ مالی وارث بستگان خود می باشد ممکن است از نظر فردی نیز وارث استعدادها خود صفت های خوب و بد نیاکان خود که از راه وراثت به او منتقل می شود، باشد. شباهت ظاهری والدین با کودکان چون سیاهی چشم یا سپیدی رخسار و مقایسه رفتارهای پدر و مادر با فرزند چون نحوه اخم شکل مهر، نوع لبخند ماندنی این ها وراثت را همیشه به عنوان یک پدیده قابل تامل مطرح کرده است.

\* عوامل ذاتی غیر ارثی: قبل از انعقاد نطفه و تشکیل جنین عوامل ارثی به نحوی از طریق مادر در شخصیت افراد موثر واقع می شود. عوامل دیگری نیز وجود دارند که از زمان انعقاد نطفه تا زمان تولد روی جنین اثر می گذارند و تاثیر هر یک از عوامل در شخصیت طفل غیر قابل انکار است. شامل:

الف: عوامل مربوط به دوران حاملگی:

- سن مادر
- سوء تغذیه
- تاثیر داروهای شیمیایی
- تاثیر الکل و مواد مخدر
- بیماریهای مادر در دوران بارداری
- حالات هیجانی عاطفی مادر
- تاثیر تشعشعات رادیو اکتیو

ب : عوامل مربوط به دوران زایمان :

علاوه بر عوامل مربوط به دوران بارداری عوامل دیگری وجود دارند که بر نوزاد اثرگذارده و شخصیت او را تحت تاثیر قرار می دهد. به عنوان مثال : استعمال داروهای بی هوشی هنگام تولد به منظور عدم احساس درد ، اگر مقدار آن زیاد باشد ممکن است روی مغز را اعصاب نوزاد موثر واقع شود.

#### \* اختلافات روانی

تحقق و پیدایش پدیده جنایی را نباید منحصر به عوامل فیزیکی و زیستی نمود. درست است که در برخی از موارد ، عوامل زیستی تاثیر فراوانی در پیدایش جرم دارند . ولی با این عوامل به تنهایی قادر به ایجاد پدیده ضد اجتماعی نبوده بلکه بایستی با عوامل روانی توأم گردیده و مجموعاً کسی را وادار به ارتکاب پدیده جنایی نماید. چرا که انسان مجموعه ای است از تن و روان و این دو قسمت چنان به یکدیگر وابسته اند که جدایی آنها امکان پذیر نیست.

#### مبحث دوم : بزه زاری خارجی

همانطور که عوامل بزه زاری داخلی ، یعنی عوامل روانی و عوامل زیستی فراوان بوده و احصا آن ممکن نیست. به همین ترتیب نیز تعداد عوامل بزه زاری خارجی نیز کم نمی باشد. در این جا سعی می شود که تعدادی از این عوامل مورد اشاره قرار گیرند.

مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی طفلی که در محیط خانوادگی خود دارای اطرافیان دلسوز و مهربانی نباشد. طبعاً احساس بد بختی نموده و سعی می کند خود را حتی المقدور از کانون خانوادگی دور ساخته و سعادت و آرامش گمشده را در محیط های خارجی بیابد. مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی شامل موارد زیر می باشد.

#### الف : آلودگی های خانواده

ب: ناسازگاری و نابسامانی های موجود در خانواده

ج: قیود خانوادگی

د: فقدان والدین

### \*مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی

این عوامل شامل تمام اوضاع واحوال ومقتضیات عمومی یک اجتماع است. که بر روی تمام افراد آن جامعه اثر مشترکی دارد خود به دودسته تقسیم می شود:

#### الف) محیط اجتماعی :

محیط از نظر کمی به محیط های کوچک وبزرگ واز لحاظ کیفی به محیط های طبیعی ،فرهنگی ،اقتصادی وغیره تقسیم می شود.

#### ب) تاثیر وسایل ارتباط جمعی :

وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو ،سینما ومطبوعات از جمله عواملی هستندکه در هدایت ، تربیت وسازندگی وبلا بردن شعور اجتماعی اطفال ونوجوانان نقش موثری ایفا می کنندبرعکس اگر جهت آن برخلاف خیروصلاح عمومی باشد.می تواند باعث گمراهی ، انحراف ، فساد ، آلودگی وگاهی بزه کاری اطفال ونوجوانان شود.

#### نقش دوستان ناباب

نقش دوستان و همسالان در همگرایی و یا وابستگی به آنها صرف نظر از طبقه اجتماعی اقتصادی عامل مهمی در بزهکاریها می باشد. نوجوانانی که توسط والدینشان طرد می شوند، برای کسب حمایت و تأیید به سوی همسالان کشانده می شوند، اکثر بزهکاران در پاسخ به این سؤال که جرم انجام داده را از چه کسی فرا گرفته اند، دوستان خود را نام برده اند که این مسئله توجه بیشتر والدین و مربیان و معلمان را به کنترل و نظارت بر دوستان فرزندان و مربیان می طلبد. خانواده های ستیزه گر و متلاشی شده یکی دیگر از عوامل اصلی و اولیه گرایش به بزهکاری محسوب شده است، زیرا اکثر ناراحتی های نوجوان زائیده امر و نهی و سخت گیری های اولیه والدین و بی مهری در کودکی و محرومیت و عدم رفاه و امنیت، عصبانیت والدین، سستی اصول اخلاقی، حمایت زیاد از نوجوان و آرزوهای جاه طلبانه والدین برای نوجوانان است که گاهی هم به جنون منتهی می شود.

#### عوامل بازدارنده بزهکاری اطفال ونوجوانان

همان طور که نمی توان هیچ یک از امراض را به طور قاطع وکلی از بیخ وبن ریشه کن نمود همین طور هم ریشه کن ساختن قطعی بزهکاری اطفال ونوجوانان کاری است بس مشکل وحتى غیر ممکن ، با وجود این روشهایی وجود

دارد که با استفاده از آن می توان از ارتکاب به جرائم ارتكابی اطفال ونوجوانان را به نحو محسوسی تقلیل داده واز گسترش روز افزون آن جلوگیری نمود.

مبحث اول : ضرورت مبارزه جامعه با پدیده ضد اجتماعی:

هر سال پدیده ضد اجتماعی خسارات فراوان جانی ومالی وناموسی به مردم وكشور وارد می نماید. پدیده ضد اجتماعی نه تنها جان ومال وناموس وشرف مردم را مورد حمله وتعرض قرار می دهد، بلکه خسارات هنگفتی نیز به مملکت وجامعه وارد می نماید مجموع این خسارات را دانشمندان تاوان نامیده اند.

ضرورت وطرق مبارزه :

برای مبارزه اساسی بایستی با علل مبارزه نمود نه با معلول قرنهایست که دولتها راه مبارزه بابزهکاری را در برقراری مجازات ویا تشدید مجازات دانسته اند. در اواخر قرن نوزدهم آنر یکوفری دانشمند جرم شناس ایتالیایی با پیشنهاد تلی ایبر دیگلری به جای مجازات معتقد بود که برای دفاع جامعه در قبال بزهکاری واعتلاء سطح اخلاقی مردم، کوچکترین پیشرفت در وسایل واقدامات جلوگیری از جرم که هزار بار بیش از وضع به هم ریخته یک دوره حقوقی جزا ارزش دارد. این گفته ایبر هنوز هم ارزش خود را از دست نداده است.

در مهرماه سال ۱۳۶۹ بیش از یکصد و پنجاه تن از سران سیاسی کشورها ویا نمایندگان بلند پایه بار دیگر با هدف بهبود وضعیت کودکان در دهه ی پایان قرن بیستم در مقر اصلی سازمان ملل گرد هم آمدند. در این گردهمایی اهدافی جهت اجراء به کلیه کشورها توصیه شده است.

فرق بین مجرم و غیرمجرم

(مجرم کسی است که دارای ظرفیات کیفی بوده و در موقعیت خاص مرتکب جرم می شود) این گفته کاملاً درست و منطقی است. در همه ی افراد ذراتی از تمایلات ارتكاب جرم وجود دارد چه کسی می تواند ادعا کند که هیچ گاه در ضمیر باطنش خطور نکرده که مرتکب جرمی شود. چه کسی می تواند ادعا کند که در لحظات خشم و غضب و عصبانیت قصد زدن طرف مقابل نداشته باشد ولی همه مردم مرتکب جرم نمی شوند. تعلیم و تربیت، تنفر از آزار و اذیت به دیگران ، احترام به هم نوع ترس از بی آبرویی و بالاخره ترس از مجازات کیفی اکثریت مردم را از ارتكاب جرم باز می دارد که این مجرم کسی است که این سدهای اخلاقی و اجتماعی در او موثر نبوده و نمی تواند او را از ارتكاب جرم باز دارد. فقدان سدهای اخلاقی واجتماعی موجب پیدایش ظرفیت وشخصیت فکری درمجرم می شود.

مبحث دوم: طرق پیشگیری از ارتکاب بزه اطفال

اعتقاد عمومی براین است که گسترش برنامه های اجتماعی نظیر : تاسیس درمانگاه های ویژه زنان باردار و ایجاد زایشگاه ها و درمانگاههای ویژه نوزادان ، برقراری و کمک هزینه های خانوادگی و بالابردن سطح آموزش و پرورش و چندین عوامل دیگر مناسب ترین راه برای پیشگیری از ارتکاب بزهکاری اطفال و نوجوانان می باشد.

مقررات مربوط به قبل از تولد اطفال

در مبحث گذشته گفته شد که عوامل ارثی و عوامل ذاتی غیرارثی تا چه میزان در ارتکاب جرائم اطفال و نوجوانان موثر می باشد. اگرچه امروزه اغلب اطفال غیرعادی و به اصطلاح آنور مال قابل معالجه و درمان بوده ولی برخی از روانشناسان عقیده دارند که علاج واقعه را قبل از وقوع باید گرفت جهت حصول این هدف می بایست که:

مبارزه جدی و قاطع علیه امراض خانمان براندازی چون ناراحتی های روانی ارثی از طرف دستگاههای بهداشتی به عمل می آید. باید در مورد جلوگیری از مصرف بعضی قرصها و داروهای ضد آبستنی دقت کافی به عمل آید.

برای حفظ حمل کودکی که هنوز به دنیای آمده در کشور ما مقرراتی تصویب گردید فی المثل در قانون جزا سقط جنین ، جرمی جنایی محسوب می شود. مگر بانظر پزشکی . گاهی سقط جنین به منظور جلوگیری از ازدیاد نسل صورت می گیرد که از نظر مقتل این علت موجه دانسته نشده ولی در برخی از کشورها مانند فرانسه سقط جنین تا ۱۰ هفته اول بارداری و در آلمان تا ۳ ماه حتی بدون نیاز پزشکی جایز دانسته شده است.

مادران باید از استعمال الکل و مواد مخدر و مشروبات الکلی در دوران حاملگی خودداری نمایند. چراکه تجربه و آمار نشان می دهد که استعمال الکل و مواد مخدر در پیدایش جرائم تاثیر فراوان داشته و دارد.

مقررات بعد از تولد طفل:

الف: ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده

ب: تامین آموزش و پرورش مناسب

الف) برای اینکه خانواده از محیطی آرام و سالم برخوردار باشد رعایت نکاتی ضروری است:

۱- برقراری دوستی و تفاهم بین والدین



۲- همبازی شدن با کودک و نوجوانان

۳- احتراز از رقابت محبت فرزندان

۴- عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده

۵- عدم پرخاشگری والدین نسبت به خود و یا نسبت به فرزندان

۶- پرورش حس اعتماد به نفس

۷- تامین محیط مسکن مناسب

۸- جلوگیری از تحریک جنسی فرزندان

۹- تامین نیازهای مادی و معنوی

ب: تامین آموزش و پرورش مناسب: بعد از محیط خانواده که محیطی غیر انتخابی و حقی برای کودک و نوجوان است محیط مدرسه و کلاس درس موثر در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوان می باشد.

نقش مدرسه در پیشگیری از بزهکاری

۱- مدرسه به عنوان یک واحد کنترل اجتماعی به دانش آموزان می آموزد که چرا به خاطر هدف و نظم جامعه آموزشی لازم است مقررات را رعایت کند. مدرسه اصل پاداش و کیفر را تعلیم می دهد و کودک می آموزد با کار و تلاش و رفتار مناسب پاداش شایسته بگیرد در غیر این صورت کیفر می بیند.

۲- هیچکس به اندازه معلم برای آفریدن یک محیط مساعد، دلپذیر، صمیمی و توأم با گذشت و همکاری مسئولیت ندارد. چرا که در جریان تعلیم و تعلم، معلم نقش مفتاح مشکلات را به عهده دارد و خلاقیت از آن اوست.

نحوه رسیدگی کیفری به جرائم اطفال

نحوه رسیدگی کیفری به جرائمی که اطفال مرتکب می شوند:

۱- محل رسیدگی دادگاه: از لحاظ تقسیمات کشوری که شامل (مرکز استان و شهرستان و شهر و بخش و دهستان) است.

بر اساس اینکه قانونگذار تاکید نموده: در هر حوزه قضائی شهرستان، یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می شود و تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم

اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده ۳۱۵ این قانون، در شعبه دادگاه کیفری ۲ یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد رسیدگی می شود. ( مستند تبصره ماده ۲۹۸ مصوب قانون ۱۳۹۲ )

و در حوزه بخش قانونگذار بدینگونه تصریح نمود : در صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می شود . در این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری ۲، رسیدگی می شود ( مستند ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری )

۲- دادگاه های صالح به رسیدگی اطفال و نوجوانان در شهرستان ها و بخش ها :

وفق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب مورخ ۹۴/۰۴/۰۲) و آخرین اصلاحات آن، قانونگذار چنین تصریح نموده است: به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هیجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و در ادامه عنوان شده : در هر صورت محکومان بالای سن هیجده سال تمام موضوع این ماده در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می شود، نگهداری می شوند. (مستند ماده ۳۱۵ این قانون )

بطور کلی جرایم دو گروه در این دادگاه ها رسیدگی می شود : الف) اطفال ب) نوجوانان ( مستند ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری )

الف- دادگاه اطفال : دادگاه هایی هستند که به جرائم اطفال رسیدگی می کنند.

طفل کیست : وفق تعریف تبصره یک ماده ۳۰۴ این قانون، طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است (یعنی حد بلوغ شرعی برای پسر پانزده سال تمام قمری که مساوی با چهارده سال و هفت ماه شمسی است و برای دختر نه سال تمام قمری که مساوی با هشت سال و نه ماه شمسی است).

ب- دادگاه نوجوانان : این دادگاه به کلیه افراد زیر هیجده سال رسیدگی می کند در واقع نام این دادگاه، همان دادگاه اطفال و نوجوانان است.

نوجوان کیست : افراد کمتر از هیجده سال تمام شمسی نوجوان هستند .

ج- حال اگر هنگام وقوع جرم فردی زیر هیجده سال سن دارد ولی در حین رسیدگی، وی هیجده ساله شود رسیدگی به جرم وی بازهم در صلاحیت دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان انجام می گیرد. مستند تبصره ۲ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری که چنین اشعار دارد :

هر گاه در حین رسیدگی سن متهم از هیجده سال تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوان ادامه می یابد.

یعنی مثلا فردی در هنگام وقوع جرم هفده سال و ۱۱ ماه و پنج روز، سن دارد و در هنگام ادامه رسیدگی در طی زمان سنش هیجده سال تمام شود در این صورت بازهم رسیدگی به جرم او در دادگاه اطفال و نوجوان ادامه می یابد.

د- سوال: اگر فردی هنگامی که مرتکب جرمی شده هیجده ساله بوده اما هنگام شروع رسیدگی سنش بالای هیجده سال باشد رسیدگی به جرم وی در کدام دادگاه انجام میگیرد؟ قانون گذار در ادامه تبصره ۲ ماده ۳۰۴ بدینگونه تصریح نموده است: چنانچه قبل از رسیدگی سن متهم از هیجده سال تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می گیرد و مطابق اصلحیه این قانون اگر افراد بالغ زیر هیجده سال مرتکب جرم شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری ۱، ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی میشود و در این صورت متهم زیر هیجده سال از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود بهره مند می شود.

نتیجه اینکه مطابق قانون اصل بر این است که به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی شود مگر استثنائات:

استثناء اول: از لحاظ سن مرتکب، یعنی مطابق قانون چنانچه قبل از رسیدگی سن متهم از هیجده سال تجاوز کند، اتهام وی در دادگاه کیفری رسیدگی می شود. (ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

استثناء دوم: از لحاظ نوع جرم، به عبارت بهتر صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوان دارای دو استثناء است یکی از نظر نوع جرم و دیگری از لحاظ سن مرتکب جرم

تشکیلات دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان :

در شهرستان هایی که دارای دادگاه اطفال و نوجوان هستند این دادگاه با حضور یک قاضی مشاور تشکیل می شود و نظر مشاور مشورتی است ( مستند ماده ۲۹۸) و رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه های شهرستان مرکز استان، در هر استان و هر حوزه حسب مورد، ریاست دادگاه های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد. ( مستند ماده ۴۰۸ این قانون )

مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان :

مشاوران از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی، مددکاران اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از افراد شاغل و بازنشسته انتخاب می شوند. ( ماده ۴۱۰ این قانون)

برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضائی هر محل، برای هر شعبه حداقل ۸ نفر مرد و زن که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند را، به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است. (تبصره یک ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

شایان ذکر است حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه، رسیدگی به جرایم آنان الزامی است. (تبصره ۲ ماده ۳۱۵) مورد بسیار مهم آنکه:

مطابق قانون، دادگاه های کیفری یک، به جرایم زیر رسیدگی می کنند:

الف) جرایم موجب مجازات سلب حیات

ب) جرایم موجب حبس ابد

پ) جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن

ت) جرایم موجب مجازات تعزیری درجه ۴ و بالاتر

ث) جرائم سیاسی و مطبوعاتی مستند ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری.

و مطابق قانون دادگاه های انقلاب به جرایم زیر رسیدگی می کنند:

الف) جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام

ب) توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری

پ) تمامی جرایم مربوط به مواد مخدر روان گردان و پیش سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل

ت) سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است. (ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

حال اگر متهمی طفل یا نوجوان باشد مرتکب جرمی شود که رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک دادگاه انقلاب باشد، به این منظور قانونگذار دادگاهی تاسیس نموده، بنام دادگاه کیفری یک ویژه، اما تاکید شده است که تخصصی بودن این گونه از دادگاه ها مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن ها نیست و مقنن تاکید نموده: (اینگونه) متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد (مستند ذیل ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

نکته مهم دیگر اینکه: چنانچه فردی نظامی و نوجوان، یعنی سنش کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی باشد، مرتکب جرم نظامی شود که رسیدگی به جرم آن در صلاحیت سازمان نیروهای مسلح قضایی باشد با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوان، جرم وی در دادرسی و دادگاه نظامی انجام می گیرد.

نکته دیگر: اینکه هر گاه یک یا چند طفل یا نوجوان با اشخاص بزرگسال مشارکت و یا معاونت در ارتکاب جرم کنند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود ( مستند ذیل ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری )

نکته دیگر در مورد سن مقنن کمتر از ۱۸ سال را در نظر می گیرد البته خود ۱۸ سال هم مشمول می شود اما بیش از ۱۸ سال تمام یعنی اگر فرد وارد ۱۹ سال شود، طفل یا نوجوان محسوب نمی شود.

نکته : در دادگاه های کیفری یک، به علت حساسیت محکومیت جرم و نوع مجازات سنگین دادرسی با تعدد قضات انجام می گیرد.

نکته دیگر : آرای دادگاه های کیفری یک، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است اما مرجع اعتراض به دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاه تجدید نظر استان است.

ملاحظات قانونی نسبت به جرایم اطفال و نوجوانان:

الف) دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار وی در کانون اصلاح تربیت، یکبار در رای خود تجدید نظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیق دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدید نظر در صورتی انجام می گیرد که آن طفل یا نوجوان اقلاً یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را سپری کرده باشد و رای دادگاه در این صورت قطعی است و این امر مانع استفاده فرد مجرم از شرایط آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی مانند تعلیق صدور حکم و مجازات و آزادی مشروط و ... نیست (مستند مواد ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ قانون مجازات اسلامی )

نکته آخر : محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است ( مستند ذیل ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی )

اما وفق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ براساس مواد ذیل، نحوه مجازات اطفال و نوجوانان به شرح زیر می باشد:

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ میکند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور دربند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها، با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارشهای مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹- درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازاتهای زیر اجراء می شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین میکند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

#### نقش کانونهای اصلاح و تربیت

یکی از شناخته‌شده‌ترین واکنش‌های تنبیهی در عرصه دادرسی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، تدابیر سالب آزادی است که در قالب اعزام به مؤسسات نگهداری اطفال، نمود می‌یابد. مؤسسات نامبرده در نظام حقوقی ایران، با عنوان کانون اصلاح و تربیت شناخته می‌شوند. کانون اصلاح و تربیت مرکز نگهداری، تهذیب و تربیت اطفال و نوجوانانی است که به علت ارتكاب بزه محکوم شده‌اند.]

پیشگیری رشدمدار یکی از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است که متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر بوده و هدف از آن، «مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از مزمن شدن و تکراری شدن بزهکاری آن‌ها در آینده (دوران بزرگسالی) است» (کاریو ۱۳۸۱: ۲۶۷). بنابراین پیشگیری رشدمدار با بهره‌گیری از اقدامات ترمیمی و اصلاح‌گر درصدد از بین بردن تداوم بزهکاری در کودکان و نوجوانان است و در این میان بر مداخله در فرآیند شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان در معرض خطر تأکید دارد (نیازپور ۱۳۹۱: ۱۹۸) تا از این گذر، افرادی قانونمدار تربیت کند. از این رو محوریت مباحث رشدمدار، حمایت همه‌جانبه از کودکان و نوجوانان دارای معضل، باهدف از بین بردن عوامل خطر پیرامون آن‌ها و درنهایت تربیت و آموزش ایشان است.

با توجه به فلسفه تأسیس مؤسسات مورد بحث و محتوای اسناد بین‌المللی این‌طور استنباط می‌شود که هدف اولیه در محروم نمودن کودکان از آزادی و نگهداری آن‌ها در مؤسسات خاص کودکان، تأکید بر بازپروری کودک است نه مجازات وی. چنین هدفی نیز با اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و اقدامات حمایتی در مؤسسات مذکور به دست می‌آید. نباید از نظر دور داشت که یکی از راه‌های مؤثر در تکمیل برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت جهت اجرای تدابیر پیشگیرانه رشدمدار، تغییر نگرش این مرکز از رویکرد توان‌گیرانه به بازپرورانه است؛ بنابراین «شرایط حاکم بر این نهاد، باید کمترین شباهت به محیط زندان را داشته باشد؛ چراکه تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان در فضای محدود در قالب اسارت تحقق نخواهد یافت» (Fox 2010: 357). بر این اساس «طراحی بازداشتگاه‌ها برای نوجوانان و محیط مادی نیز، باید باهدف رعایت نیاز نوجوان به حریم خصوصی و شخصی، انگیزش‌های حسی، فرصت برای ارتباط با همسالان و مشارکت در عملیات ورزشی، تمرینات بدنی و فعالیت‌های اوقات فراغت همساز باشد» (عباچی ۱۳۸۸: ۱۵۸). بدیهی است تمامی این موارد گویای رویکرد رشدمدار حاکم بر پاسخ‌های سالب آزادی نظام عدالت کیفری اطفال است. به بیان دیگر، هدف اصلی و اولیه نظام دادرسی اطفال که همانا تربیت و آموزش اطفال بزهکار است، از گذر این پاسخ میسر می‌شود.

با این توضیحات و به‌منظور تبیین آثار تربیتی کانون اصلاح و تربیت، تدابیر این نهاد از منظر پیشگیری رشدمدار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است طیف گسترده و متنوعی از برنامه‌های حمایتی جهت بهره‌مندی مددجویان کانون اصلاح و تربیت اعمال می‌شود؛ از این رو با لحاظ ماهیت متفاوت تدابیر مورد بحث، برنامه‌های اجرایی ذیل سه بخش مجزا تحت عناوین برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و مددکاری مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

#### ۱- برنامه‌های آموزشی

برنامه‌های آموزشی کانون اصلاح و تربیت، در دو حوزه تحصیلات علمی و حرفه‌آموزی دنبال می‌شوند؛ برنامه‌های مذکور با توانمندسازی علمی و عملی مددجویان، فرصت‌های مشروع دستیابی به اهداف را در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند. چنین رویه‌ای از منظر نظریه فشار، در پیشگیری از جرایم مؤثر است. «تصور غالب در این نظریه، آن است که علت جرم را می‌توان در ناکافی یا نامناسب بودن ابزارها یا فرصت‌های دستیابی به برخی هدف‌ها، نهفته دید. ابزارها یا فرصت‌هایی که ناکافی یا نامناسب بودن آن‌ها در مقایسه با دیگر ابزارها و فرصت‌هایی آشکار می‌شود که در دسترس افراد دیگر جامعه قرار دارد. یکی از راهبردهایی که این نظریه، آن را در مسیر کاهش جرم مورد توجه قرار داده، دوباره جامعه‌پذیر نمودن بزهکار در خصوص هدف‌ها، وسایل و شیوه‌های مرسوم اجتماعی است» (سلیمی ۱۳۸۶: ۱۴۴).

ازنقطه نظر پیش‌گیری از جرم، نظریه‌های فشار از اقداماتی پشتیبانی می‌کند که هدف آن، گسترش فرصت‌های تحصیل، استخدام و دیگر فرصت‌های اجتماعی است؛ بنابراین، توجه به این موضوع در عرصه تدابیر رشدمدار لازم است که به دنبال جلوگیری از تکرار جرم کودکان و نوجوانان بزهکار است.



ماده ۱۳۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز به موضوع آموزش محکومان اشاره داشته و بیان می‌دارد: «به منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهای نهفته آن‌ها آموزش می‌بیند».

#### ۱-۱- برنامه‌های آموزشی - پرورشی

امکان تحصیل به معنای برخورداری کودک و نوجوان، از حق دسترسی به فرصت لازم برای رشد و شکوفایی استعدادها و آماده شدن وی برای کسب جایگاه شایسته و ایفای مطلوب نقش اجتماعی اوست. به همین دلیل خارج شدن کودک از فرایند تحصیل، قبل از پایان دوره تحصیلی معمول (پایان دبیرستان) را می‌توان از آسیب‌زاترین وقایع رشد کودکان و نوجوانان، دانست. از این رو توجه به این موضوع مهم بایستی در صدر برنامه‌ریزی‌های کانون اصلاح و تربیت قرار گیرد و امکانات لازم، جهت ادامه تحصیل مددجویان در دوران حضور در کانون، مهیا شود؛ زیرا اگر قرار بر این است که آثار رشدمدار بر اقدامات کانون هموار شود، در نتیجه خود، نباید ایجاد عامل خطر جدید کرده و با محروم نمودن آن‌ها از تحصیل، در تشدید حالت خطرناک مددجویان اهتمام ورزد.

در این رابطه مددجویان، به دودسته تقسیم می‌شوند: دسته اول آن‌هایی هستند که قبل از ورود به کانون، بنا بر دلایل شخصی و اجتماعی، ترک تحصیل نموده‌اند. در مواجهه با این دسته، تلاش اولیه باید به تفهیم ضرورت و اهمیت تحصیل معطوف شود. با توجه به اینکه وضعیت خانوادگی بسیاری از مددجویان به نحوی است که تحصیل نقش مهمی در موقعیت خانواده آن‌ها نداشته و بسیاری از آنان انتظارات شغلی سطح پایینی از خود دارند، لذا لازمه ایجاد انگیزه ادامه تحصیل برای این دسته مددجویان آن است که انتظارات شغلی برجسته به آن‌ها تفهیم شده و این‌طور القا شود که کسب منزلت شایسته در اجتماع و مسیر مشروع پیشرفت، از طریق تلاش خود فرد و نیل به مدارج عالی علمی میسر است. افزون بر این، ایجاد امکانات تحصیلی برای آن دسته که به علت فقر مالی، مجبور به ترک تحصیل شده‌اند، حُسن نیت نظام دادرسی را اثبات می‌کند.

دسته دوم مددجویان، آن‌هایی هستند که مشغول تحصیل می‌باشند. توجه به ادامه تحصیل این دسته بسیار ضروری‌تر از دسته قبل است؛ زیرا در صورت عدم توجه به مسئله تحصیل آن‌ها، نظام دادرسی که هدف اصلی خود را بر اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان، متمرکز نموده است، نتیجه‌ای معکوس می‌گیرد؛ زیرا در این حالت، خود باعث ایجاد شکاف اصلی میان مددجو و دانش‌اندوزی و تحصیل به‌عنوان یک عامل خطر اساسی در بزهکاری آنان، شده است. چنین مددجویی به نسبت مدت حضور خود در کانون، از تحصیل بازمی‌ماند و چه‌بسا به علت همین عقب‌ماندگی و بازخورد منفی ناشی از حضور خود در کانون، تحصیل را به کلی کنار بگذارد. در چنین صورتی تمام تبعات سوء ناشی از ترک تحصیل، بر وی بار می‌گردد. به عبارت دیگر، «محروم شدن کودک و نوجوان از فرصت پرورش و شکوفایی استعدادهای درونی و طی کردن مسیر طبیعی نیل به جایگاه مطلوب اجتماعی، مهم‌ترین آسیبی است که در اثر ترک تحصیل به کودک وارد می‌شود. کودکی که ترک تحصیل می‌کند، ساعاتی که صرف حضور در

مدرسه و مشارکت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی می‌نماید، به ساعات فراغت او تبدیل می‌شود که در مثبت‌ترین صورت کودک را به‌طور زودرس درگیر کار می‌کند و در وضعیت نامطلوب، این اوقات تبدیل به اوقات بطلت کودک می‌شود و وی را در معرض انواع انحرافات قرار می‌دهد، (مه‌دوی ۱۳۹۰: ۳۲۴).

با این توضیحات اهمیت نقش تحصیل، در برنامه‌های اجرایی کانون مشخص می‌شود. باید توجه داشت ایجاد امکانات تحصیلی، مددجویان را انگیزه‌مند کرده و آنان را به آینده امیدوار می‌کند. تلاش در این جهت به آنان ثابت می‌کند که با سایر دانش‌آموزان تفاوتی ندارند و لذا از ایجاد برچسب منفی توسط خود مددجویان نیز، جلوگیری می‌کند. در نهایت نیز، ساماندهی شخصیت مددجویان و قرار دادن آن‌ها در مسیر صحیح زندگی، از گذر تحصیلات علمی میسر می‌شود. بدین نحو رویکرد اصلاحی-درمانی و تربیتی نظام عدالت کیفری بیش‌ازپیش نمایان می‌شود.

در این راستا کانون اصلاح و تربیت تهران، اقدام به تأسیس یک مدرسه در محیط کانون نمود که از مقطع پنجم ابتدایی تا چهارم دبیرستان را دارد. طبق هماهنگی صورت گرفته با آموزش و پرورش نیز، ۳۵ دبیر مشغول به تدریس در این مدرسه می‌باشند. باهدف جلوگیری از برچسب‌زنی نیز، در مدرک تحصیلی مددجویان چیزی قید نمی‌شود. بدین ترتیب اگر مددجویی در امتحانات نهایی شرکت کند و موفق به اخذ نمره قبولی شود، کارنامه قبولی از طریق آموزش و پرورش صادر می‌شود و به‌هیچ‌عنوان در آن به اخذ مدرک از مدرسه کانون اصلاح و تربیت اشاره نمی‌شود.

#### ۱-۲- برنامه‌های آموزشی - حرفه‌ای

مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پس از تشکیل پرونده شخصیت و ورود به قسمت نگهداری، مشمول برنامه‌های کانون می‌شوند. بخش مهمی از برنامه‌های اجرایی متوجه حرفه‌آموزی در قالب کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای است. آن‌ها بر مبنای خواست و سلیقه و همچنین با توجه به سطح دانش خود، در یکی از کارگاه‌های حرفه‌آموزی، مشغول می‌شوند. طبق هماهنگی با سازمان فنی و حرفه‌ای نیز، در پایان دوره‌های آموزشی به مددجویان گواهی شرکت در دوره، بدون اشاره به محکوم بودن آنان اعطا می‌شود تا به این واسطه زمینه‌های الصاق برچسب مجرمانه از میان برود.

حرفه‌آموزی مددجویان، در وهله اول به جهت آشکارسازی جنبه آموزشی کانون و همچنین جهت جلوگیری از اتلاف وقت مددجویان، بکار گرفته می‌شود. این امر، از منظر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز توجیه دارد؛ زیرا طبق این نظریه، درگیر شدن در فعالیت‌هایی که وقت آزاد کمی برای فرد باقی می‌گذارد، فرصت فعالیت‌های مجرمانه را محدود می‌کند. «دست‌های بیکار کارگاه شیطان است». افزون بر این آموزش یک حرفه شرافتمندانه تا اندازه زیادی در جلوگیری از تکرار جرم مؤثر است؛ زیرا همین حرفه‌ای که در دوران مجازات آموخته می‌تواند محل درآمدی باشد تا در آینده زندگی خود را از طریق آن بگذرانند.

مسئله دیگر توجه به اشتغال مددجویان است. بدیهی است در این صورت حس مفید بودن، عزت نفس و استقلال در مددجویان تقویت شده و از گذر درآمدهای ناشی از آن، علاوه بر اینکه روش کسب درآمد مشروع به آن‌ها آموخته می‌شود، مشکلات مالی این دسته نیز تا حدودی برطرف می‌شود، از آنجاکه فقر اقتصادی یکی از عوامل خطر جدی در بزهکاری است، حرکت در مسیر پیشگیری رشدمدار، توجه به آن را نیز اقتضا می‌کند. در این راستا، مدیریت کانون با هماهنگی‌های انجام شده با کارگاه‌ها و کارخانه‌ها تولیدی و صنعتی، زمینه اشتغال مددجویان را در محیط‌های مذکور فراهم می‌کنند که در این صورت، دوران محکومیت مددجویان، در قالب رأی باز یا نیمه‌باز گذرانده می‌شود. در رابطه با مددجویانی هم که امکان تغییر رأی آن‌ها وجود ندارد و در کانون به سر می‌برند، با در نظر گرفتن تمهیداتی امکان اشتغال آنان در کانون را فراهم آورده‌اند.

## ۲- برنامه‌های فرهنگی

هدف اصلی در ترتیب برنامه‌های موردبحث، آموزش فرهنگ زندگی صحیح، با توجه به تمامی نیازهای روحی و روانی مددجویان در کانون اصلاح و تربیت است. به عبارت دیگر، هدف درونی‌سازی ارزش‌های موردقبول جامعه و خنثی نمودن ضدهنجارهایی است که در بستر خانواده و در فرایند جامعه‌پذیری آنان، نهادینه گشته و در قالب یک هنجار، تعریف شده است؛ بنابراین در یک بستر آموزشی سالم، باید هنجارها جایگزین ضدهنجارها شوند. از این رو برنامه‌های فرهنگی که در جهت «فرهنگ‌سازی» شکل گرفته‌اند با یک دید همه‌جانبه، سعی در بهبود سامانه رفتاری مددجویان داشته و قاعدتاً از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار می‌باشند. برنامه‌های فرهنگی را می‌توان در چند حوزه، تقسیم‌بندی نمود.

### ۲-۱- برنامه‌های تربیتی

پیشگیری رشدمدار تربیت‌مدار است؛ یعنی درصدد شخصیت‌سازی افراد است. به دیگر سخن، این پیشگیری با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات آموزشی- پرورشی بر سالم‌سازی فرایند رشد افراد تأکید دارد. از این روست که این پیشگیری تلاش می‌کند در روند شکل‌گیری شخصیت مجرمانه اختلال ایجاد کند و فرد را به سوی جامعه‌پذیری هدایت کند» (نیازپور ۱۳۸۳: ۱۰۳)؛ بنابراین توجه به برنامه‌های تربیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا برنامه‌های اجرایی کانون را در جهت اهداف پیشگیری رشدمدار قرار دهد. «زندانی در داخل زندان فرصت زیادی برای استفاده از فکر و قوه تخیل خود دارد، اگر این نیرو در جهت مثبت و در راه اصلاح او به کار گرفته نشود، قطعاً از این نیرو در جهت خلاف و ارتکاب بزه استفاده خواهد کرد» (مجیدی بیدگلی ۱۳۸۷: ۲۷)؛ بنابراین تمامی برنامه‌های فرهنگی و تربیتی کانون، باید در جهت تغییر سامانه رفتاری و اخلاقی آن‌ها، با استفاده از برنامه‌ریزی منظم برای زندگی روزمره مددجویان باشد.

برای پرورش افکار کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، مدیر کانون می‌تواند از اشخاص صلاحیت‌دار از قبیل اساتید دانشگاه‌ها، اعضای انجمن‌های خیریه، کارفرمایان، قضات و کلاً دادگستری و روحانیون و غیره جهت سخنرانی در زندان دعوت کند. سخنرانان باید به طرز تفکر و روحیه مددجویان آشنا بوده و از تحریک و ایجاد تأثیر روانی خودداری نمایند. استفاده از مربیان تربیتی با کیفیتی که در آئین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت ذکر شده‌است، نیز در همین راستا است.

## ۲-۱-۱- تقویت حس مسئولیت‌پذیری

یکی از برنامه‌های مهم و اصلی مربیان کانون، باید مبتنی بر تقویت حس مسئولیت‌پذیری در مددجویان باشد؛ زیرا در پرتو تقویت چنین حسی، نسبت به اعمال خود دقت خواهند داشت. آن‌ها باید بیاموزند که با تبعات عمل خود مواجه شوند و واقعیات ناشی از آن را بپذیرند. فرار از واقعیت، شایسته یک شهروند هنجارمند نیست. ضمن اینکه باید به آن‌ها فهمانده شود آن‌ها مجاز به انجام هر کاری نیستند و مسئولیت اولیه اعمالشان به عهده خودشان است و همیشه نباید به دنبال پیدا کردن مقصر، در میان سایرین بود. افزون بر این باید بیاموزند، در محیطی که زندگی می‌کنند نسبت به خود، اطرافیان و جامعه مسئول بوده و وظایفی بر عهده ایشان است.

از این رو، انجام برخی کارهای کانون به مددجویان سپرده می‌شود تا آن‌ها را نسبت به محیط زندگی‌شان، حساس کند. به‌عنوان مثال، مرتب نمودن و نظافت هر خوابگاه، با اعضای خویش است. همچنین تزئین و چیدمان خوابگاه‌ها نیز باسلیقه مددجویان آن صورت می‌گیرد. همچنین تشکیل شورای شهر و انتخاب شهردار در کانون نیز، در همین حوزه قابل‌بررسی است. ناگفته پیداست، این‌گونه درگیر نمودن مددجویان در ایجاد حس تعلق خاطر به محیط کانون بسیار مؤثر است. افزون بر این، از گذر این تدابیر، بی‌تفاوتی مددجویان نسبت به کانون اصلاح و تربیت از بین می‌رود و می‌آموزند که هر فرد هنجارگرا، در محیطی که به سر می‌برد، به فراخور حقوقی که دارد، تکالیفی نیز بر او بار می‌شود و دیگران همواره مسئول انجام کارهای آن‌ها نمی‌باشند.

همچنان ایجاد اشتغال در کانون برای مددجویان در راستای نیل به چنین هدفی است؛ با این توضیح که یاد می‌گیرند از ماحصل دسترنج خویش، استفاده کنند و دیگران را موظف به تحقق خواسته‌های خود ندانند. مادامی که تلاشی صورت نگیرد، مابه‌ازایی هم وجود نخواهد داشت؛ لذا مفهوم تلاش در زندگی از این طریق، منتقل می‌شود. این همان مفهومی است که بسیاری از مددجویان کانون با آن بیگانه می‌باشند؛ زیرا همواره به دنبال آسان‌ترین راه برای رسیدن به آرزوهای خود می‌باشند؛ درحالی‌که غایت تدابیر کانون اصلاح و تربیت، این است که آنان را با طرق مشروع نیل به اهداف، آشنا گرداند. آن‌ها بایستی بیاموزند، همواره کوتاه‌ترین راه، مناسب‌ترین نیست، بلکه بهترین راه، مسیر مشروع، قانونی و از پیش تعریف‌شده آن است. مهم‌تر آن‌که از هر طریق به هدف رسیدن، صحیح نیست. هر انسانی باید برای تحقق آرزوهای خویش تلاش نماید و تاوان کوتاهی او را نباید سایرین بپردازند. این مفاهیم

همان است که در پرتو تقویت حس مسئولیت‌پذیری در مددجویان، آنان را آگاه نموده و در آموزش سبک صحیح زندگی، کارساز است.

## ۲-۱-۲- آموزش نظم

اگر هدف برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت، تبدیل کردن مددجویان به یک شهروند مطیع قانون است، ناگزیر از توجه به این موضوع مهم است. مددجویان باید با مفهوم نظم و تبعیت از آن آشنا شده و چنین ارزشی در آنها نهادینه شود؛ زیرا در پرتو آن، می‌توان اطاعت از قانون در اجتماع را به آنها آموخت. مددجویان باید از رویکرد فردگرایی مطلق خارج شده و بپذیرند، اقتضای یک زندگی جمعی، پیروی از هنجارهای آن جامعه را می‌طلبد و بنابراین، لازمه یک زندگی سالم و موفق در اجتماع، تبعیت از قوانین، هنجارهای موردقبول جامعه و احترام به حقوق سایرین است. لذا با آموزش و تمرین نظم در محیط کانون، آن‌ها را برای زندگی هنجارمند در جامعه آماده می‌نمایند.

بنابراین مفهوم نظم باید نهادینه شود و صرف اجبار به آن کافی نیست. در این راستا برگزاری کلاس‌های آموزشی نظم در محیط و دعوت از اساتید مربوطه، برای مددجویان بسیار مفید خواهد بود؛ زیرا سبب می‌شود مددجویان خود به اهمیت این موضوع پی برده و در نتیجه آثار آن در نحوه برخورد، رفتار و سبک زندگی‌شان در کانون نمود خواهد یافت.

علاوه بر این، یکی از راه‌های آموزش نظم، برنامه‌ریزی برای انجام امور است. به همین علت، در کانون اصلاح و تربیت برای بیست‌وچهار ساعت شبانه‌روز مددجویان برنامه‌ریزی شده و برای تمامی فعالیت‌های آن‌ها زمان مشخصی در نظر گرفته شده است. زمان خواب، بیدار شدن، کلاس‌های آموزشی و حتی اوقات فراغت آن‌ها مشخص است و در نتیجه، مددجویان با مفهوم برنامه‌ریزی نیز آشنا شده و کارهای خود را طبق این برنامه تنظیم می‌کنند.

توجه به این نکته لازم است که «کودکان و نوجوانان در بدو ورود به محیط بسته کانون اصلاح و تربیت بُهت‌زده، سراسیمه و نگران آینده خود هستند؛ بنابراین، رئیس یا معاون او باید هر روز اول وقت از تازه‌واردان بازدید به عمل آورده و لزوم رعایت مقررات، نظم و حسن سلوک با دیگران را به آن‌ها توجیه نموده و مزایای اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی و درمانی را شرح دهد، (دانش ۱۳۸۵: ۲۸۱).

برخورداری از یک نظام تشویق و تنبیه اصولی، در درونی ساختن ارزش مذکور بسیار مؤثر است؛ چراکه در قالب شرطی‌سازی، مددجویان را به تبعیت هنجارها و قوانین کانون سوق می‌دهد.

## ۲-۱-۳- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی

بدیهی است مطالعه سبب افزایش سطح اطلاعات و جهت‌دهی سامانه رفتاری افراد شده و اقدامی مؤثر در جهت جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان است. همچنان که از شکل‌گیری حس طردشدگی و در انزوا بودن نیز جلوگیری می‌کند..

باید پذیرفت، بزهکاران معمولاً از قشری می‌باشند که از درس و مدرسه گریزان هستند و افت تحصیلی، ترک تحصیل و اصولاً علاقه نداشتن به مطالعه سبب شده است که اوقات بیکاری خویش را با دوستان ناباب سپری کنند و خواسته و ناخواسته وارد دنیای بزهکاری شوند. حال با تشویق مددجویان به کتاب‌خوانی، می‌توان اوقات فراغت آنان را سامان بخشید و به آن‌ها آموخت که از ساعات بیکاری خویش بهترین استفاده را نمایند. آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی بدین موضوع اشاره کرده و کانون اصلاح و تربیت را موظف نموده که در راستای بازپروری فرهنگی و بازسازی نظام شخصیتی مددجویان، نسبت به راه‌اندازی کتابخانه مبادرت ورزد.

## ۲-۲- برنامه‌های مذهبی

اثر پایبندی به مذهب در بازدارندگی از ارتکاب جرم، چنان است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. چه بسا اولین عامل بازدارنده، همان وجود رابطه حُب و خوف از خداوند است. به بیانی دیگر، اگر پیشگیری رشدمدار به دنبال مداخله در فرایند شخصیت کودکان و نوجوانان است، تا از این گذر مانع ارتکاب جرایم مجدد توسط آنان شود؛ بدیهی است در این راستا باید توجهی ویژه به تقویت مذهب در مددجویان معطوف شود.

باید توجه داشت، تغییر در باورهای مددجویان تا اندازه قابل‌توجهی در گرو تغییر رویکرد معنوی و مذهبی آن‌ها است؛ زیرا عامل مذهب، سبب تقویت «پلیس درون» آن‌ها شده و در نتیجه خود به این نتیجه می‌رسند که نباید هنجارها را نقض کنند؛ چراکه در درجه اول خداوند شاهد و ناظر اعمال آن‌هاست. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از ارتکاب معصیت‌های الهی (حتی) در نهان خودداری کنید، زیرا آن خدایی که شاهد است، خود نیز حاکم است». به عبارت دیگر چنین امری برای آن‌ها درونی شده و حتی پس از اتمام دوران محکومیت و بازگشتن به جامعه نیز، خود بر رفتار خویش کنترل و نظارت دارند و از این طریق احترام به قانون را می‌آموزند از این‌رو برنامه‌های مذهبی بخش مهمی از برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت را تشکیل می‌دهد. این برنامه‌ها، شامل اقامه نماز جماعت و برگزاری کلاس‌های آموزشی احکام، نهج‌البلاغه و قرآن است.

## ۲-۳- برنامه‌های تفریحی- ورزشی

اهمیت اوقات فراغت و در کنار آن استفاده از امکانات تفریحی برای جوانان، در روان‌شناسی و علوم پیشرفته فیزیکی شناخته شده است. بازی، ورزش، کار فرهنگی، نمایش و خدمات اجتماعی از این قبیل می‌باشند. برنامه‌های

مربوط به اوقات فراغت و تفریح به منظور مبارزه با امراض اجتماعی، مثل مواد مخدر و تکرار بزهکاری به وجود می‌آید و می‌تواند بر اساس ارتقای نیروی بالقوه فیزیکی، ذهنی و حسی جوانان گسترش یابد.

### ۲-۳-۱- برنامه‌های تفریحی

نیاز به تفریح، یک نیاز طبیعی برای تمامی افراد و به‌ویژه نوجوانان است که عدم توجه به آن مغایر با اصول انسانی و آموزه‌های تربیتی است. چراکه، تربیت کودکان و نوجوان درگرو توجه به تمامی نیازهای آنها و تلاش در جهت برآورده سازی آن است.

نکته مهم‌تر آنکه با ایجاد تفریحات سالم، این قشر فعالیت‌ها به آنها معرفی شده و در نتیجه می‌آموزند چگونه می‌توان با توسل به چنین تفریحاتی، اوقات فراغت خود را سپری کرد. در این صورت، پس از اتمام دوران محکومیت و حضور در اجتماع نیز چنین رویه‌ای در پیش می‌گیرند. لازم به ذکر است در بستر آموزه‌های رشدمدار نیز، بخش مهمی از فعالیت‌ها معطوف به اوقات فراغت کودکان و نوجوان و ساماندهی آن با ایجاد یک برنامه‌ریزی صحیح، در این زمینه می‌شود؛ بنابراین توجه به مسئله تفریحات مددجویان کانون نیز، با توجه به این مباحث، قابلیت تفسیر رشدمدارانه را دارد.

برگزاری کلاس‌های سرود، تئاتر، پخش فیلم‌های سینمایی در حال اکران و سایر برنامه‌های هنری برای مددجویان در این دسته قرار می‌گیرند. برگزاری کلاس‌های آموزشی شنا و تدارک برنامه اردوهای درون‌شهری و برون‌شهری، برای مددجویان از دیگر برنامه‌های تفریحی کانون است. با توجه به اینکه مددجویان با لباس شخصی و بدون هیچ نمادی از مددجو بودن، در اردو حاضر می‌شوند. نکته مهم در برنامه اخیرالذکر، القای حس اعتماد جامعه به مددجویان است و تجربه ثابت کرده که این اعتماد بی‌پاسخ باقی نمی‌ماند.

### ۲-۳-۲- برنامه‌های ورزشی

خواص ویژگی‌های علمی ورزش در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بارز و روشن است. به‌گونه‌ای که در بهداشت و سلامت جسم، نشاط روحی و آموزش اخلاقی و اجتماعی نقشی مؤثر ایفا می‌کند. به همین جهت است که در کشورهای مختلف، در قوانین موضوعه خود جایگاه ویژه‌ای را برای تربیت بدنی و ورزش زندانیان پیش‌بینی نموده‌اند. همچنین در جهان امروز از ورزش به‌عنوان وسیله درمانی یا توان‌بخشی برای کسانی که به هر دلیل از مسیر عادی خارج شده و دچار نقصان در زمینه‌های جسمی و روحی شده‌اند، به‌کار می‌رود. در نتیجه، با توجه به اینکه اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی در کانون اصلاح و تربیت، با در نظر داشتن شخصیت هر فرد و با جلب اعتماد شخص موردنظر

انجام می‌گیرد، لذا برنامه‌های تفریحی و آموزنده متضمن بازی و ورزش نیز برای تخلیه انرژی و از بین بردن حالت تعرض که امری طبیعی برای نوجوانان است، اجرا می‌شود. همچنان که فعالیت‌های ورزشی سبب شادابی و نشاط مددجویان می‌شود. از این رو کانون‌های اصلاح و تربیت مجهز به سالن ورزشی و امکانات ورزشی می‌باشند.

### ۳- برنامه‌های مددکاری - درمانی

کانون اصلاح و تربیت متشکل از اداره‌های مختلفی است که مشاوره و مددکاری و همچنین بهداشت و درمان از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشند. اداره‌های مذکور اقدامات و برنامه‌های خود را از بدو ورود مددجویان به کانون که در قرنطینه به سر می‌برند، آغاز کرده و به‌طور مستمر در طول زمان نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت، ادامه می‌دهند. با توجه به ماهیت فعالیت‌های ادارات مورد بحث، اقدامات متفاوتی از قبیل تشکیل پرونده شخصیت، بررسی وضعیت جسمانی و روانی مددجویان و همچنین درمان آن‌ها در دستور کار ایشان قرار می‌گیرد.

### ۳-۱- برنامه‌های مشاوره و مددکاری

تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی ایران با توجه به اهمیت نقش مددکاران اجتماعی در فرآیند بازپروری کودکان و نوجوانان بزه‌کار، در آئین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی ۱۳۷۹ استفاده از این کارگزاران در کانون اصلاح و تربیت را مورد تأکید قرار داده‌اند. ماده ۱۱ آئین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت نیز مقرر داشته: «هر کانون باید به تعداد کافی مددکار اجتماعی در اختیار داشته باشد» تا از این‌گذر نظام عدالت کیفری در مرحله اجرای پاسخ هم از ابزارهای لازم جهت فردی‌سازی بهره‌گیرد. همچنان با توجه به تعریف و تعیین حدود وظایف مددکار در آئین‌نامه مورد بحث، ضمن تبیین جایگاه مهم مددکار در عرصه عدالت کیفری اطفال مشخص می‌شود که مهم‌ترین نهاد اجرایی در بستر پیشگیری رشد مدار، مددکار اجتماعی و مشاور است. چراکه نقش مهمی در شناسایی عوامل خطر و همچنین ارائه تدابیر حمایتی ایفا می‌کند.

در بدو ورود مددجویان به کانون اصلاح و تربیت و مدت‌زمان حضور آن‌ها در قسمت قرنطینه، پرونده شخصیت ایشان توسط کارگزاران واحد مددکاری و مشاوره، تشکیل می‌شود. مددکاران اجتماعی برای شناسایی شخصیت کودکان و نوجوانان، ناراحتی‌ها و مشکلات مادی و معنوی، خانوادگی و اجتماعی آن‌ها باید با مسئولین کانون، همکاری نمایند.

افزون بر این، مددکار باید تدابیر لازم را برای حفظ رابطه میان مددجو و خانواده وی به کار گیرد تا حضور او در کانون، سبب ایجاد شکاف میان آن دو نشود. در صورتی که این شکاف ایجاد شده باشد، بایستی تمام تلاش خود را در



برطرف نمودن آن، متمرکز نماید؛ زیرا وابستگی و احساس تعلق به خانواده، خود یک عامل مهم در جلوگیری از تکرار جرم مددجویان است.

افزون بر این، راهنمایی و هدایت محکومین به منظور رعایت مقررات داخلی زندان، تشویق به کار و شرکت در کلاس‌های آموزش علمی و فنی حرفه‌ای تا مادامی که مربیان تربیتی متخصص وجود ندارند، از وظایف مددکاران اجتماعی است. آموزش هنجارهای اجتماعی و اخلاقی به کودکان و نوجوانان بزهکار نیز به این کارگزاران واگذار شده تا مسیر جامعه‌پذیری و ارتباط سالم و مؤثر با اعضای جامعه را برای ایشان هموار سازند. همچنان که یکی از اقدامات مهم مشاوران حاضر در این واحد، آموزش مهارت کنترل خشم، به مددجویان است.

همچنین، «از جمله وظایف مهم مددکاران اجتماعی کانون اصلاح و تربیت، آماده نمودن مددجویان برای بازگشت به محیط آزاد است و باید سعی نمایند برنامه سازگاری کودکان و نوجوانان را با زندگی عادی اجتماعی تنظیم و منطبق نموده و با استفاده از امکانات موجود در این زمینه اهتمام به عمل آورند» (دانش ۱۳۸۵: ۲۸۰). به این ترتیب ملاحظه می‌شود در عرصه سیاست جنایی ایران با به رسمیت شناختن حضور مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای تدابیر سالب آزادی، زمینه‌های بازسازی شخصیتی کودکان و نوجوانان بزهکار و در نتیجه بازگشت آن‌ها به زندگی سالم اجتماعی فراهم شده است.

### ۳-۲- برنامه‌های بهداشتی-درمانی

همزمان با حضور مددجویان در قسمت قرنطینه و به موازات اقدامات واحد مشاوره و مددکاری، بهداشت و درمان کانون اصلاح و تربیت نیز برنامه‌های بهداشتی-درمانی خود را در رابطه با مددجویان اجرا می‌نماید. در ابتدا مددجویان از جهت ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی معاینه دقیق می‌شوند و در صورت تشخیص بیماری اقدامات درمانی مناسب عملی می‌شود. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اداره مزبور، اجرای تدابیر درمانی ترک اعتیاد در مواجهه با مددجویان معتاد است.

به دیگر بیان، در کنار توجه به سلامت روانی مددجویان، اقدامات مرتبط با تضمین سلامت جسمانی آن‌ها نیز مهم است. چنین امری، هم تأمین‌کننده حقوق اولیه مددجویان بوده و هم از منظر پیشگیری رشدمدار دارای آثار است؛ زیرا نباید فراموش نمود، بخشی از عوامل خطر فردی را مشکلات زیستی و بیماری‌های جسمانی کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهد که لازمه بهبود وضعیت آن‌ها، توجه به این مسائل را ایجاب می‌کند.

به همین علت، کانون اصلاح و تربیت، مجهز به واحد بهداشت و درمان است. زیرا هر نوجوان باید از مراقبت‌های پزشکی کافی، هم در زمینه پیشگیری و هم در زمینه درمان، بهره‌مند شود؛ و مهم‌تر اینکه، همه این‌گونه مراقبت‌ها، در صورت امکان، باید از طریق تسهیلات و خدمات مناسب بهداشتی جامعه‌ای که بازداشتگاه در آن قرار دارد در دسترس نوجوانان بازداشت‌شده، قرار گیرند تا از برچسب زدن به نوجوانان جلوگیری شود و میزان عزت‌نفس و

قابلیت جذب نوجوان در اجتماعات تقویت شود. یکی از برنامه‌های مفید واحد بهداشت و درمان، برگزاری کلاس‌های آموزشی رفتارهای پرخطر و همچنین آموزش بهداشت فردی به مددجویان است.